فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۴۰۳- صفحات ۳۸۸-۳۶۱

بررسی و مقایسه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی با وفور منابع طبیعی

نوع مقاله: پژوهشی

بهزاد اصل محمدیان[۱]
محمدعلی متفکر آزاد[۲]
حبیب آقاجانی[۳]
هادی خیراللهی زکی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۶

چکیده

هدف مطالعه حاضر، بررسی و مقایسه رشد حامی فقرا در چهار کشور منتخب اسلامی با وفور منابع طبیعی طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۱۹ است. برای تحقق این هدف، سه شاخص رشد حامی فقرا (PPGI)، نرخ رشد معادل فقر (PEGR) و نرخ رشد حامی فقرا (RPPG) با استفاده از سه معیار نسبت سرشمار فقر، نسبت شکاف فقر و مجذور شکاف فقر، از طریق بسته تجزیه و تحلیل DASP نرم‌افزار Stata محاسبه شد. نتایج نشان داد که اغلب کشورها رشد قطره‌چکانی و رشد بی‌ارزشی را در طی دوره مورد بررسی داشته‌اند که این امر؛ منجر به افزایش فقر و نابرابری می‌شود. در این بین، فقط پاکستان (۲۰۱۹-۲۰۱۵) و مالزی (۲۰۱۶-۲۰۱۱) بر اساس هر سه معیار فقر و ایران (۲۰۱۵-۲۰۰۹) و (۲۰۱۹-۲۰۱۵) بر اساس معیار مجذور شکاف فقر، رشد نسبتاً قوی‌تر حامی فقرا داشته‌اند. نتایج شاخص‌های سه‌گانه مذکور، تاییدکننده یکدیگر بوده و در همه کشورها، فقر و نابرابری در یک جهت تغییر کرده است. همچنین بر اساس شاخص RPPG، همه کشورها به جز پاکستان (۲۰۱۹-۲۰۱۵) و مالزی (۲۰۱۶-۲۰۱۱)، علاوه بر افزایش در فقر، افزایش در نابرابری را نیز تجربه کردند. نتیجه کلی تحقیق بیانگر این است که درجه رشد حامی فقرا در کشورهای مورد مطالعه، متفاوت بوده و نیز رشد اتفاق افتاده روند باثباتی را در دو دوره مورد بررسی برای کشورهای نمونه تحقیق نداشته است.

۱. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) motafakker@tabrizu.ac.ir
۲. استاد بازنشسته گروه اقتصاد دانشگاه تبریز M.motafakker@gmail.com
۳. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز Aghajani1249@gmail.com
۴ دانشجوی دکتری اقتصادشهری دانشگاه ارومیه hadykhyrallhy@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

کلید واژه‌ها: رشد حامی فقرا، کشورهای اسلامی، وفور منابع طبیعی، بسته نرم‌افزاری DASP
طبقه‌بندی JEL: C87، D63، I32، O53.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مقدمه

کاهش فقر به عنوان مهم ترین هدف سیاستگذاری اجتماعی و اقتصادی مطرح گردیده است (فندرسی و موسائی، ۲۰۲۳). فقر را می‌توان ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی مانند جرم، فساد، مشکلات روانی و ... دانست. فقر یکی از اصلی‌ترین عواملی است که جامعه بشری در طول تاریخ با آن روبرو بوده است. به طوری که حتی با وجود کاهش فقر در دهه‌های گذشته، همچنان این موضوع جزء دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی بوده است (مهرگان و مصطفوی، ۱۳۹۶).

در دهه‌های اخیر، با افزایش رشد اقتصادی در جهان، ایده‌ای در بین اقتصاددانان مبنی بر اینکه رشد اقتصادی می‌تواند به کاهش فقر در جهان منجر شود، رایج شد. بحث‌هایی پیرامون توزیع رشد در کشورهای درحال‌توسعه صورت گرفت و پرسش‌هایی نظیر اینکه رشد اقتصادی می‌تواند باعث کاهش فقر و بهبود نابرابری در کشورهای فقیر شود، پدید آمد. به همان اندازه که مسئله فقر اهمیت دارد، مسئله نابرابری (توزیع درآمد) نیز برای فقرا از اهمیت بالایی برخوردار است. افزایش نابرابری منجر به افزایش فاصله طبقاتی در جامعه شده و می‌تواند باعث عدم بهبود وضعیت فقرا در جامعه شود (اعلایی حیدرانلو، ۱۳۹۶).

رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته همواره متفاوت بوده است. حتی رشد اقتصادی می‌تواند تحت تاثیر وفور منابع طبیعی در کشورها قرار گیرد. در همین راستا، پیش‌تر عقیده بر آن بوده که کشورهای غنی از منابع معدنی به ویژه کشورهای صادرکننده نفت، عملکرد اقتصادی بهتری در مقایسه با کشورهای فاقد این منابع دارند. اما مطالعات اخیر نشان داده است که حداقل در سطح بین‌کشوری، هیچ رابطه مثبتی بین درآمد نفت و نرخ رشد تولید ناخالص ملی، وجود ندارد (وندر پلاگ[1]، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، این منابع در کشورهای برخوردار در مقایسه با کشورهای فاقد آن، منجر به کاهش نرخ رشد تولید ناخالص ملی شده است. این موضوع که در ادبیات اقتصادی به نفرین منابع[2] معروف شده؛ تا آنجا اهمیت یافته که بخش مهمی از مطالعات اقتصادی در دو دهه اخیر به یافتن علت عقب‌ماندگی کشورهای با وفور منابع معدنی اختصاص یافته است.

به طور معمول اقتصادهای با منابع غنی در مقایسه با اقتصادهای با منابع فقیر بیشتر به رفتار رانت‌جویی گرفتار می‌شوند. رانت جویی، فساد و تضعیف نهادها در کشورهای دارای منابع غنی با هم در ارتباط‌اند. لیتی و ویدمن[3] (۱۹۹۹) در یک مدل رشد ساده، رابطه منابع طبیعی، فساد و رشد

1. Van der Ploeg
2. Resource Curse
3. Leite and WEIDMANN

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

اقتصادی را نشان داده و نتیجه می‌گیرند که میزان فساد بستگی به وفور منابع طبیعی، سیاست‌های دولت و تمرکز قدرت بوروکراسی دارد. در کشورهای با منابع غنی، عموماً بخش کوچکی از جامعه در فعالیت‌های مولد نقش داشته و بیشتر مردم از بازتوزیع ثروت حاصل از صادرات منابع طبیعی بهره‌مند می‌گردند.

با توجه به تاثیر منابع طبیعی بر رشد اقتصادی و فقر، باید بررسی نمود که آیا رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای با وفور منابع طبیعی به چه صورت است؟ و آیا تفاوتی بین آنهاست؟ آیا وفور منابع طبیعی بر رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی تاثیرگذار است؟ از این رو، در این پژوهش به بررسی و مقایسه درجه رشد حامی فقرا در منتخب چهار کشور اسلامی با وفور منابع طبیعی پرداخته می‌شود.

۱. مبانی نظری

فقر از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسائلی است که مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه قرار دارد. همین موضوع باعث شده تا بسیاری از محققان اذعان داشته باشند که فقر پیچیده است و علل، شاخص‌ها و پیامدهای زیادی دارد.

اما آنچه که مسلم است این است که فقر از جمله موضوعاتی است که کاهش دادن اثرات سوء آن، هدف همه دولت‌ها بوده است. به طوری که در دهه ۱۹۹۰، بانک جهانی تصمیم جدی مبنی بر مبارزه با فقر گرفت و یکی از شعارهای آن این بود که مردم در دنیایی بدون فقر زندگی کنند (استیگلیتز[1]، ۱۳۹۹). این شعار نشان می‌دهد که مبارزه با فقر چقدر برای سازمان‌های بین‌المللی مهم است. در سال ۲۰۱۹ نیز، تعداد ۶۴۸ میلیون نفر با درآمد روزانه کمتر از ۲/۱۵ دلار، از سوی بانک جهانی فقیر شناخته شدند.

در این بین، رشد اقتصادی می‌تواند به عنوان ابزاری برای کاهش فقر به ویژه برای کشورهای در حال توسعه باشد. این کشورها بایستی رشد کنند تا جمعیت آنها ثروتمندتر و بهتر شوند. رشد باید به ایجاد فرصت‌ها، امید و خوش‌بینی اقتصادی، ثروت و رفاه و همچنین کاهش فقر منجر شود. با این حال، رشد اقتصادی بر توسعه، فقر و نابرابری در کشورهای مختلف تاثیر متفاوتی دارد. حتی کشورهایی با بالاترین رشد تولید ناخالص داخلی (بر حسب سرانه) ممکن است در افزایش توسعه انسانی یا کاهش فقر موفق نباشند.

شواهد روشنی وجود دارد که نشان می‌دهد رشد اقتصادی یک نیاز ضروری و غالباً عامل اصلی کاهش فقر درآمدی است. شواهد در سراسر کشورها و دوره‌های زمانی نشان می‌دهد که کاهش

1. Stiglitz

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

بلندمدت فقر درآمدی، در درجه اول از رشد اقتصادی ناشی می‌شود (OECD، ۲۰۰۷). نتایج مطالعات از تجارب ۱۴ کشور در حال توسعه در طول دهه ۱۹۹۰، که از سوی آژانس توسعه فرانسه[۱] در سال ۲۰۰۵ انجام شد؛ نشان داد فقر درآمدی تنها زمانی کاهش می‌یابد که رشد وجود داشته باشد؛ و به طور کلی هر چه رشد بیشتر باشد، کاهش فقر درآمدی بیشتر خواهد بود (آژانس توسعه فرانسه، ۲۰۰۵)

اما همه کشورها خواه به شکل سریع و خواه با سرعت متوسط، دوره‌های کوتاهی از رشد را تجربه می‌کنند. این دوره‌های رشد کوتاه، برای فراهم کردن فرصت‌هایی که افراد فقیر برای فرار از فقر اقتصادی به آن نیاز دارند، کافی نیست. کلید کاهش فقر اقتصادی در تضمین تداوم نرخ رشد سریع در بلندمدت نهفته است. رشد ممکن است به دلایل مختلفی مانند کشف منابع طبیعی، قیمت‌های بالاتر کالاها، فضای سرمایه‌گذاری بهتر برای بخش خصوصی و ... آغاز شود. به عنوان مثال، بروز تمایل مثبت‌تر نسبت به کسب‌وکار در هند، برای شروع رشد کافی بود (رودریک و سابرامانیان[۲]، ۲۰۰۴). با این حال، تداوم رشد مستلزم تعمیق انگیزه سرمایه‌گذاری و افزایش استفاده و بهره‌وری از سرمایه و نیروی‌کار در کل اقتصاد از طریق سیاست‌گذاری‌ها و نهادهای مناسب است.
برای حفظ رشد، سیاست‌ها و نهادها باید ثبات و قابل پیش‌بینی بودن انجام کسب‌وکار را افزایش دهند تا نسبت ریسک به پاداش[۳] برای مشاغل و افراد بهبود یافته و بتواند کارآفرینی و سرمایه-گذاری را تحریک کند. تضاد اجتماعی یا سیاسی، فقدان یک دولت کارآمد و نوسانات سیاستی ناشی از تغییرات مکرر سیاسی، رشد را تضعیف می‌کند. بنابراین، بازگرداندن صلح و مشروعیت دولت، پیش‌شرط ضروری برای رشد حامی فقرا[۴] در کشورهای ضعیف است (OECD، ۲۰۰۷).

رشد حامی فقرا را می‌توان به طور کلی به عنوان اثرات رشد بر افراد فقیر یک جامعه تعریف کرد. رشد حامی فقرا بر اساس دو رویکرد نسبی و مطلق است. رویکرد نسبی بر چگونگی توزیع مزایای رشد بین جمعیت فقیر و غیر فقیر متمرکز است. از سوی دیگر، رویکرد مطلق بر نرخ رشد درآمد جمعیت فقیر متمرکز است و توزیع نسبی مزایای رشد بین فقرا و افراد غیر فقیر در اولویت نیست. (کاکوانی و پرنیا[۵]، ۲۰۰۰). رشد حامی فقرا یکی از مفاهیمی است که از طریق آن، می‌توان چگونگی تاثیر رشد بر توسعه، فقر و نابرابری را ارزیابی کرد.

---

۱. Agence Française de Développement (AFD)

2. Rodrik and Subramanian
3. Risk-to-Reward Ratio
4. Pro-Poor Growth
5. Kakwani and Pernia

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

از سوی دیگر، با توجه به تنوع انواع اقتصاد، در دسترس بودن منابع، سطوح توسعه و تنوع در سیاست‌ها و نهادها، نمی‌توان به فرمولی از سیاست‌ها و نهادها دست یافت که بتواند به طور جهانی اعمال شود (زاگا و نانکانی، ۲۰۰۵). به عنوان مثال، یکی از مسائلی که امروزه در ادبیات رشد اقتصادی مطرح است موضوع تاثیر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی در کشورهایی است که از این مزیت برخوردار هستند. در ادبیات اقتصادی به طور گسترده تاثیر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. در اکثر این مطالعات تاثیر منفی وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای دارنده آن تایید شده است.

در ایران نیز وابستگی بیش از حد به درآمد نفت و گاز، این ثروت بین نسلی را به تحمیل تورم بر خانواده‌های ایرانی (نفرین) از طریق واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی سوق داده است. هر چند صادرات نفت نیز در قبل و بعد از انقلاب، رونق اقتصادی را در پی داشته است (ابراهامیان[1]، ۱۴۰۱). در همین حال، اقتصادهای آسیای شرقی مانند ژاپن، کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ، با وجود اینکه منطقه جغرافیایی آنها پوشیده از سنگ و صخره بوده و عملاً دسترسی به منابع طبیعی قابل صادرات وجود نداشته؛ اما به استانداردهای زندگی بالایی برابر با زندگی در غرب دست یافته‌اند (لندز[2]، ۱۹۹۹). اوتی[3] (۱۹۹۴) واژه نفرین منابع[4] را به وضوح برای توصیف این پدیده گیج‌کننده در ادبیات اقتصاد وارد کرده است. البته باید توجه داشت که تمامی کشورهایی که به ثروت نفت یا سایر منابع طبیعی دسترسی داشتند، عملکرد نامناسبی را در مقایسه با کشورهای فاقد چنین مزیتی تجربه نکردند. همچنین کشورهایی که با منابع طبیعی غنی شداند، در صورتی می‌توانند موفق شوند که بهترین بهره‌برداری را از منابع طبیعی داشته باشند (امینی، ۲۰۱۸).

ساکس و وارنر[5] (۱۹۹۵) تأثیر منابع طبیعی را بر رشد اقتصادی بلندمدت بررسی کردند و دریافتند که کشورهای غنی از منابع نسبت به کشورهایی که منابع کمیاب دارند، تمایل به رشد کندتری دارند. که این موضوع به عنوان نفرین منابع طبیعی شناخته شده است. ادبیات منتشر شده پس از ساکس و وارنر (۱۹۹۵)، در درجه اول مکانیسم‌های انتقال مختلف را بررسی می‌کند که چگونه منابع طبیعی بر رشد تاثیر می‌گذارد و ارزیابی می‌کند که آیا می‌توان با بهبود کیفیت نهادها از نفرین منابع طبیعی جلوگیری کرد یا اینکه وجود نفرین منابع طبیعی به آن بستگی دارد. در ادبیات موضوع، کانال‌های احتمالی مختلفی نظیر بیماری هلندی[6]، کیفیت نهادها، نوسانات قیمتی و

1. Abrahamian
2. Landes
3. Auty
4. Resource Curse
5. Sachs and Warner
6. Dutch Disease

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

... برای نشان دادن علت تاثیرگذاری منفی وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی توسط محققین مختلف ارائه شده است[۱].

۲. پیشینه مطالعات

کلاسن و ریمرس[۲] (۲۰۱۷)، به بررسی رشد حامی فقرا در بخش کشاورزی پرداخته‌اند. بدین منظور داده‌های مورد نیاز در سه بازه زمانی ۲۰۰۱-۱۹۹۹، ۲۰۰۶-۲۰۰۵ و ۲۰۱۱-۲۰۱۰ از خانوارهای کشور روآندا جمع‌آوری شد. نتایج بررسی و تجزیه‌و تحلیل‌ها نشان داد که پیشرفت‌های عظیم به وجود آمده در درآمد، آموزش و پرورش و ابعاد سلامت به نفع فقرا بوده است. بر اساس نتایج بدست آمده، زمین‌های با بهره‌وری پایین به نسبت رشد کمی را تجربه کرده‌اند؛ در حالی که نیروی‌کار با بهره‌وری پایین، نسبت به نیروی‌کار با بهره‌وری بالاتر، حتی با ثابت بودن میزان تحصیلات آنان افزایش درآمد بیشتری داشته‌اند.

خان و همکاران[۳] (۲۰۱۹) در مطالعه خود به موضوع رشد حامی فقرا و توسعه پایدار پرداختند. بدین منظور، محققین از داده‌های سالانه ۲۰۱۶-۱۹۷۵ اقتصاد پاکستان و روش برآورد گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM[۴]) استفاده کردند. نتایج نشان داد که رشد اقتصادی بالاتر از طریق اصلاحات اجتماعی، بروز فقر را کاهش می‌دهد؛ در حالی که جنگل‌زدایی، میزان مرگ‌ومیر زیر ۵ سال، باز بودن تجارت، انتشار کربن و جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تا حد زیادی بروز فقر را در یک کشور افزایش می‌دهد. همچنین نتایج این مطالعه، فرضیه منحنی زیست‌محیطی کوزنتس (EKC[۵]) در مورد انتشار کربن را در رابطه با درآمد سرانه و مخارج عمومی برای آموزش تایید کرد. این در حالی است که فرضیه بهشت آلودگی[۶] نیز به دلیل دخالت زیاد صنایع آلوده‌کننده کثیف در فرآیند تحول اقتصادی کشور تایید شد. احتراق سوخت‌های فسیلی و تراکم بالای جمعیت، انتشار کربن را افزایش می‌دهد که آن هم به نوبه خود، روند توسعه پایدار در یک کشور را خراب می‌کند. بنابراین، اتخاذ سیاست‌های پایدار برای کاهش انتشار کربن فسیلی با تکنیک‌های تولید پاک‌تر و بهبود کیفیت زندگی افراد فقیر از طریق افزایش هزینه‌های اجتماعی که به فقرا در مقایسه با افراد غیر فقیر سرازیر می‌شود، توصیه شد.

---

۱. برای مطالعه بیشتر، به بایارما (۲۰۱۴) رجوع کنید.

2. Klasen and Reimers
3. Khan, et al.
4. Generalized Method of Moments (GMM)
5. Environmental Kuznets Curve (EKC)
6. Pollution Haven Hypothesis

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

ایتوک و آیوک[1] (۲۰۲۱) در پژوهش خود، به موضوع تجاری‌سازی کشاورزی، کاهش فقر و رشد حامی فقرا در نیجریه پرداختند. بدین منظور، داده‌های ۱۱۴۲ خانوار شامل ۶۵۵ ذینفع و ۴۸۷ غیرذینفع در پروژه تجاری‌سازی کشاورزی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از آمارهای توصیفی، تکنیک تطبیق امتیاز تمایل (PSM[2])، معیارهای فقر فاستر-گریر-توربک (FGT[3]) و نرخ رشد معادل فقر (PEGR[4]) جهت حمایت از فقرا تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که شاخص‌های فقر FGT برای ذینفعان پروژه توسعه تجاری کشاورزی کمتر از غیر ذینفعان بود. تاثیر این پروژه بر فقر با استفاده از درآمد ذینفعان به عنوان یک پروکسی نشان داد که درآمد افرادی که در پروژه مذکور شرکت کردند به میزان ۱۲۳۹ دلار افزایش یافت. در نتیجه از نظر رفاهی در مقایسه با کسانی که در آن شرکت نکردند، وضعیت بهتری کسب کردند. همچنین PEGR برای غیر ذینفعان بالاتر از نرخ رشد واقعی بوده در حالی که برای ذینفعان کمتر از نرخ رشد واقعی بود. این موضوع بدین معنی است که پروژه مذکور حامی فقرا نبوده است. این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که اگر چه پروژه تجاری‌سازی کشاورزی در نیجریه به طور مثبت بر سطح فقر ذینفعان تاثیر گذاشته، اما طرفدار فقرا نبوده است.

ژیائو و همکاران[5] (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای، به طور تجربی اثرات سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی را بر سطح و توزیع درآمد خانوارهای فقیر در چین برآورد کردند. بدین منظور از شوک سرمایه‌گذاری برون‌زای ناشی از برنامه کاهش فقر هدفمند استفاده شد. محققین بر درآمد کشاورزی خانوارهای فقیر روستایی تمرکز کرده و این موضوع را مورد بررسی قرار دادند که آیا این سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی نابرابری درآمدی را در گروه فقیر افزایش می‌دهد یا کاهش. بر اساس یک مجموعه داده جامع در سطح خانوار و تجزیه و تحلیل اقتصادسنجی، مشخص شد که زیرساخت‌های برق به طور قابل توجهی درآمد کشاورزی خانوارهای فقیر را افزایش می‌دهد و منافع درآمد به طور مساوی بین فقرا توزیع می‌شود. زیرساخت‌های آبیاری کشاورزی، درآمد کشاورزی را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد و منافع بیشتری را به فقیرترین خانوارها می‌رساند. به عبارت دیگر، حامی فقرا است. بررسی نتایج نشان داد که هم زیرساخت‌های برق و هم آبیاری، احتمال مشارکت در کارهای کشاورزی را افزایش داده و در نتیجه درآمد کشاورزی بیشتر شده است. این یافته‌ها نشان داد که از طریق افزایش بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی و نیروی کار خانوارهای فقیر، سرمایه‌گذاری‌های

1. Etuk and Ayuk
2. Propensity Score Matching
3. Foster-Greer-Thorbecke
4. Poverty Equivalent Growth Rate
5. Xiao, et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

زیرساختی برق و آبیاری در مناطق فقیر روستایی احتمالاً منجر به توسعه پایدار و حامی فقرا می‌شود.

فطرس و شهبازی (۱۳۹۵)، روند فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران را در دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۳ مورد مطالعه قرار دادند. در این پژوهش، از داده‌های خام طرح آمارگیری ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار استفاده شد. شاخص ضریب جینی محاسبه شده در پژوهش نشان داد که طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۳، بالاترین میزان نابرابری در مناطق روستایی ایران مربوط به سال ۱۳۶۵ است و کمترین میزان آن به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اختصاص دارد. نتایج سال پایانی برنامه اول توسعه (۱۳۷۲) گویای کاهش نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در طی برنامه پنج ساله دوم توسعه، نابرابری با نوساناتی همراه بوده است. برنامه پنج ساله سوم توسعه، بیان‌کننده کاهش نابرابری در مناطق روستایی ایران است. در طول برنامه پنج ساله چهارم توسعه، نابرابری با نوسانات ملایمی همراه بوده است. در نهایت با توجه به برنامه پنج ساله پنجم توسعه می‌توان بیان کرد پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، نابرابری درآمدی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، نسبت به سال ۱۳۸۹، کاهش و در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ مجدداً افزایش یافته است.

اشرفی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی موضوع رشد، نابرابری و فقر در طی برنامه‌های توسعه دوم و تا پنجم ایران پرداختند. بدین منظور، محققین از مفهوم رشد حامی فقرا استفاده می‌کنند تا نشان دهند که در چه دوره‌ای رشد اقتصادی حامی فقرا بوده و توزیع اثرات این رشد اقتصادی بر فقرا چگونه بوده است. بر این اساس از پروکسی نرخ رشد معادل فقر استفاده شد که هم میزان رشد و هم چگونگی توزیع منافع رشد را در میان افراد فقیر و غیرفقیر نشان می‌دهد. نتایج برآورد نرخ رشد معادل فقر نشان داد که نرخ رشد میانگین هزینه کل در دو برنامه دوم و سوم توسعه در مناطق شهری، حامی فقرا بوده است. اما در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه این امر تداوم نداشت. این موضوع نشان می‌دهد که فقر در طی این دو برنامه، افزایش یافته است و در طی برنامه پنجم، افراد فقیر به طور نسبی بیشتر از افراد غیرفقیر آسیب دیدند. نتایج در مناطق روستایی نیز مشابه مناطق شهری بوده است. نتایج گویای این امر است که با وجود اجرای پنج برنامه توسعه، سیاست‌های کاهش فقر به صورت یک برنامه استراتژیک پایدار در طول برنامه‌های توسعه به کار گرفته نشده است.

بهبودی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود، ارتباط بین سه مفهوم توسعه، یعنی فقر، نابرابری و رشد را با استفاده از شاخص‌های رشد حامی فقرا در ۹ کشور اسلامی مورد بررسی قرار دادند. به طوری که هدف اصلی این پژوهش، بررسی ماهیت رشد بدون در نظر گرفتن عوامل تعیین‌کننده رشد بوده است. محققین به منظور تجزیه و تحلیل موضوع از پکیج توزیعی-تحلیلی نرم‌افزار استاتا

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

استفاده کردند. نتایج برآوردها نشان داد که در کشور قزاقستان، رشد منجر به کاهش فقر و نابرابری طی دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ شده است. همچنین کشور تاجیکستان در طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۹، بیشترین کاهش فقر را تجربه کرده است. وضعیت رشد در ایران نیز در طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۶ با استفاده از شاخص رشد حامی فقرا (PPGI) و نرخ رشد معادل فقر (PEGR)، به ترتیب فقرزا و حامی فقرا بوده است. به طور کلی نتایج تحقیق نشان داد که نمی‌توان رشد را در کشورهای اسلامی به طور نسبی حامی فقرا دانست. اگر رشد حامی فقرا با شاخص‌های مختلف فقر اندازه‌گیری شود، نشان می‌دهد افراد نزدیک خط فقر نسبت به افرادی که دورتر از خط فقر زندگی می‌کنند از منافع بیشتر رشد، بهره‌مند خواهند شد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

در این بخش، مباحث نظری سه معیار مورد بحث در خصوص رشد حامی فقرا[1] و نحوه محاسبه آنها، به طور مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخص رشد حامی فقرا (PPGI[2])

یکی از اولین تلاش‌ها برای عملیاتی‌سازی معیارهای رشد حامی فقرا توسط کاکوانی و پرنیا[3] (۲۰۰۰) انجام شد. بر اساس رویکرد نسبی رشد حامی فقرا در این مطالعه، تغییر در معیار فقر [4] FGT(فاستر و همکاران[5]، ۱۹۸۴) بین دو دوره زمانی ($P_{21}=P_2-P_1$) را می‌توان به یک اثر رشد (GE) و یک اثر نابرابری (IE) تجزیه کرد. بنابراین $P_{21}=GE+IE$ خواهد بود. به عبارت دیگر، کل تغییر در فقر برابر با مجموع اثر رشد و اثر نابرابری است. اثر رشد، اثر تغییر در متوسط درآمد (بر فقر) زمانی است که نابرابری تغییر نمی‌کند. در حالی که اثر نابرابری، اثر تغییر در نابرابری (بر فقر) است زمانی که متوسط درآمد تغییر نمی‌کند.

اگر رشد متوسط درآمد بین دو دوره زمانی (g_{21}) مشخص باشد، می‌توان کشش کل فقر η با توجه به رشد را از طریق رابطه $\eta = P_{21} / g_{21}$ محاسبه کرد. این کشش به صورت درصد تغییر در فقر به ازای یک درصد تغییر در متوسط درآمد تفسیر می‌شود. همچنین می‌توان کشش رشد فقر

1. Pro-poor Growth
2. Pro-poor Growth Index
3. Kakwani and Pernia
4. Foster-Greer-Thorbecke
5. Foster, et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

η_g را به صورت $\eta_g = GE / g_{21}$ تعریف کرد. این کشش به عنوان تغییر متناسب در فقر به ازای یک درصد تغییر در متوسط درآمد تفسیر می‌شود؛ به طوری که نابرابری نیز ثابت بماند. در نهایت، کشش نابرابری فقر η_i نیز به صورت $\eta_i = IE / g_{21}$ خواهد بود. این کشش نیز به معنی تغییر متناسب در فقر به ازای یک درصد تغییر در نابرابری است؛ به طوری که متوسط درآمد ثابت بماند. بر حسب موارد فوق، طبیعتاً رابطه $\eta = \eta_g + \eta_i$ برقرار خواهد بود.

برای تجزیه کل تغییرات در فقر به اثرات رشد و نابرابری، به معیارهایی از فقر نیاز است که با خط فقر (z)، متوسط درآمد در جامعه (μ) و منحنی لورنز[۱] (L(P)) بیان می‌شوند. به عبارت دیگر، تغییرات در فقر به صورت $P = f(z, \mu, L(p))$ تعریف می‌شود. با فرض اینکه خط فقر تغییر نمی‌کند، می‌توان کل تغییر فقر بین دو دوره زمانی را به صورت زیر بیان کرد:

$$P_{21} = P_2 - P_1 = \ln P(z, \mu_2, L_2(p)) - \ln P(z, \mu_1, L_1(p)) \quad (۱)$$

اثر رشد که برابر با تغییر در فقر در نتیجه تغییر در متوسط درآمد است (زمانی که نابرابری ثابت بماند)، به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$GE = 0.5\left[\ln P(z, \mu_2, L_1(p)) - \ln P(z, \mu_1, L_1(p)) + \ln P(z, \mu_2, L_2(p) - \ln P(z, \mu_1, L_2(p))\right] \quad (۲$$

(

اثر نابرابری که بیانگر تغییر در فقر در نتیجه تغییر در نابرابری است (زمانی که متوسط درآمد تغییر نمی‌کند)، به صورت زیر خواهد بود:

$$IE = 0.5\left[\ln P(z, \mu_1, L_2(p)) - \ln P(z, \mu_1, L_1(p)) + \ln P(z, \mu_2, L_2(p) - \ln P(z, \mu_2, L_1(p))\right] \quad (۳$$

(

همانطور که در بالا نیز به آن اشاره شد، $P_{21}=GE+IE$ خواهد بود (کاکوانی و پرنیا، ۲۰۰۰). اثر رشد همیشه منفی است؛ زیرا رشد مثبت باید منجر به کاهش فقر شود (اگر نابرابری تغییر نکند). برعکس، اثر نابرابری ممکن است مثبت یا منفی باشد. اثر منفی نابرابری به این معنی است که رشد منجر به تغییر در نابرابری می‌شود که به نفع فقرا است. در چنین حالتی، رشد منجر به کاهش صریح و روشن در فقر می‌شود. بنابراین، این نوع رشد به عنوان رشد حامی فقرا شناخته می‌شود. از سوی دیگر، اثر مثبت نابرابری به این معنی است که رشد منجر به تغییر در نابرابری می‌شود که به نفع افراد غیر فقیر است. اکنون اثر کل رشد بر فقر بستگی به این دارد که کدام اثر بیشتر باشد. اگر اثر رشد بزرگتر باشد، فقر علیرغم افزایش نابرابری (در نتیجه رشد) کاهش می‌یابد. این

---

۱. منحنی لورنز (Lorenz Curve)، نابرابری درآمد را در اقتصاد اندازه‌گیری می‌کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

نوع از رشد، یک رشد قطره‌چکانی[1] خواهد بود. اگر اثر نابرابری بزرگتر باشد، به دنبال رشد، فقر (و همچنین نابرابری) افزایش می‌یابد. این نوع رشد به عنوان یک رشد بی‌ارزش[2] شناخته می‌شود. کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰)، شاخص رشد حامی فقرا را به صورت زیر تعریف کردند:

$$PPGI = \frac{\eta}{\eta_g} \qquad (۴)$$

که در آن، η: کشش کل فقر با توجه به رشد و η_g: کشش رشد فقر است. برای محاسبه $PPGI^*$ در مخرج کسر، کشش رشد مطلق فقر (η_{g^*}) قرار داده می‌شود. اگر PEGR>g باشد، رشد به معنای نسبی حامی فقرا است. اگر PEGR بین ۰ و g باشد، رشد همراه با افزایش نابرابری بود؛ اما همچنان فقر را کاهش می‌دهد. به این نوع رشد، رشد قطره‌چکانی[3] گفته می‌شود. در نهایت اگر |PEGR|<|g| برقرار باشد، رشد از نوع حامی فقرا است. بدین معنی که فقر افزایش پیدا می‌کند اما آسیب فقرا نسبت به غیر فقرا کمتر است[4].

بر اساس رابطه فوق، شاخص رشد حامی فقرا برابر است با کشش کل فقر تقسیم بر کشش رشد فقر. سه تفسیر اساسی از PPGI وجود دارد:

۱) اگر PPGI>۱ بزرگتر از یک باشد (یعنی $\eta_i < 0$)، بدین معنی است که هم فقر و هم نابرابری در نتیجه رشد متوسط درآمد کاهش می‌یابند. در این حالت، رشد حامی فقرا وجود دارد. به عبارت دیگر، فقرا بیشتر از افراد غیر فقیر از رشد سود می‌برند. این حالت تعریفی از رشد نسبی حامی فقراست.

۲) اگر ۰ ≤ PPGI ≤ ۱ باشد یعنی ($|\eta_i| < |\eta_g|, \eta_i > 0$ بدین معنا که بزرگتر از صفر باشد) و شاخص PPGI بزرگتر از صفر و کوچکتر از یک باشد یعنی (بین صفر و یک باشد) بدین معنی است که فقر علیرغم افزایش نابرابری، در نتیجه رشد متوسط درآمد کاهش می‌یابد. در این حالت یک رشد قطره‌چکانی وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که فقرا از رشد بهره می‌برند (فقر کاهش می‌یابد)، اما آنها کمتر از افراد غیر فقیر سود می‌برند (نابرابری افزایش می‌یابد). این تعریف، تعریف رشد مطلق حامی فقراست.

---

1. Trickle-down Growth
2. Immiserizing Growth
3. Trickle-down Growth

۴. این مباحث به طور مفصل در فصل سوم بررسی خواهد شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۳) اگر PPGI<۰ باشد (یعنی $|\eta_i| > |\eta_g|, \eta_i > 0$)، بدین معنی است که هم فقر و هم نابرابری در نتیجه رشد افزایش می‌یابند. در نتیجه رشد بی‌ارزشی وجود خواهد داشت. در این حالت، رشد منجر به نابرابری بسیار بالایی می‌شود که برای فقرا مضر است. به طوری که درآمد آنها کاهش و در نتیجه فقر افزایش می‌یابد.

کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) طبقه‌بندی دقیق‌تری از PPGI به صورت زیر ارائه دادند:

۱) اگر $PPGI \leq ۰/۰۰$ باشد، رشد ضد فقرا وجود دارد.

۲) اگر $۰/۰۰ \leq PPGI \leq ۰/۳۳$ باشد، رشد نسبتاً ضعیف حامی فقرا وجود دارد.

۳) اگر $۰/۳۳ \leq PPGI \leq ۰/۶۶$ باشد، رشد نسبتاً حامی فقرا وجود دارد.

۴) اگر $۰/۶۶ \leq PPGI \leq ۱/۰۰$ باشد، رشد حامی فقرا وجود دارد.

۵) اگر $PPGI \geq ۱/۰۰$ باشد، رشد نسبتاً قوی‌تر حامی فقر وجود دارد.

در محاسبات فوق، رشد مثبت وجود داشت. اما اگر نرخ رشد در متوسط درآمد منفی باشد، نسبت شاخص رشد حامی فقرا معکوس خواهد بود:

$$PPGI = \frac{\eta_g}{\eta} \qquad (۵)$$

اگر PPGI>۱ باشد، رکود اقتصادی (که با کاهش متوسط درآمد سنجیده می‌شود) نسبتاً به نفع فقرا است؛ چرا که در این حالت، فقر افزایش می‌یابد اما درآمد فقرا کمتر از درآمد افراد غیر فقیر کاهش می‌یابد. اگر PPGI<۱ باشد، رکود اقتصادی به نفع افراد غیر فقیر خواهد بود.

نرخ رشد معادل فقر (PEGR[۱])

شاخص رشد حامی فقرا (PPGI) امکان تجزیه رشد را به اثر رشد و اثر نابرابری می‌دهد، اما نرخ رشد واقعی را در نظر نمی‌گیرد. با این حال برای حمایت از فقرا، فرآیند رشد باید به کاهش فقر منجر شود؛ که این امر هم به نرخ رشد در متوسط درآمد و هم به توزیع منافع حاصل از رشد بستگی دارد. این دو عامل به طور همزمان بر فقر اثرگذار است. بنابراین سیاست‌های حداکثرسازی کاهش فقر باید به طور همزمان بر روی هر دو متغیر متمرکز شود. بر همین اساس، کاکوانی و سان (۲۰۰۳) نرخ رشد معادل فقر (PEGR) را مطرح کردند.

---

۱. Poverty Equivalent Growth Rate

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

نرخ رشد معادل فقر را می‌توان به عنوان نرخ رشدی تعبیر کرد که همان تاثیر نرخ رشد واقعی را بر فقر دارد، مشروط بر اینکه روند رشد با هیچ تغییری در نابرابری همراه نبوده باشد. به عبارت دیگر، نرخ رشدی را بیان می‌کند که همه افراد جامعه از مزایای رشد به تناسب برخوردار شده باشند. این نرخ از حاصل‌ضرب PPGI در نرخ رشد متوسط درآمد (g) به دست می‌آید:

$$PEGR = g.PPGI \qquad (۶)$$

که در آن $g = \Delta \ln(\mu)$ است. اگر PEGR بزرگتر (کمتر) از g باشد، رشد حامی فقرا (یا ضد فقیر) در نظر گرفته می‌شود. اگر PEGR بین ۰ و g باشد، رشد با افزایش نابرابری همراه است، اما فقر همچنان کاهش می‌یابد؛ یعنی رشد قطره‌چکانی وجود دارد.

نرخ رشد معادل فقر را می‌توان برای تمامی گونه‌های معیارهای فقر (نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر، مجذور شکاف فقر و شاخص واتس) محاسبه کرد. همچنین این نرخ، هم به میزان رشد و هم به مزایای رشد برای جمعیت فقیر اشاره می‌کند. از طرفی، شرط یکنواختی پایه را نیز برآورده می‌کند: کاهش متناسب فقر یک تابع فزاینده یکنواخت از PEGR است. به این معنی که هر چه PEGR بزرگتر باشد، کاهش فقر بیشتر است. یعنی حداکثر کردن PEGR به معنای حداکثرسازی در کاهش فقر است. بنابراین کاکوانی و سان (۲۰۰۳) پیشنهاد کردند که به جای نرخ رشد صرف، از حداکثرسازی نرخ رشد معادل فقر برای دستیابی به کاهش سریع فقر استفاده شود (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

این دو طبقه نسبی را باید از رویکرد مطلق رشد حامی فقرا (که گاهی رشد اکیداً ضعیف حامی فقرا نامیده می‌شود) متمایز کرد. رویکرد مطلق توزیع مزایای رشد را بین افراد فقیر و غیر فقیر مقایسه نمی‌کند؛ یعنی اگر درآمد فقرا افزایش یابد، رشد به نفع فقیر است. در مورد رشد نسبتاً حامی فقرا، محاسبه و تفسیر PEGR بر اساس رابطه ۶ خواهد بود. در ادامه رابطه مذکور، بازنویسی شده است:

$$PEGR = g + (PPGI - 1)g \qquad (۷)$$

زمانی که $g>0$ و $PPGI>1$ باشد (یا زمانی که رکود اقتصادی حاکم است، $g<0$ و $PPGI<1$)، رشد به نفع فقرا (به معنای نسبی) خواهد بود. این شرط به این معنی است که g(PPGI-۱) باید مثبت باشد. برای به دست آوردن PEGR برای مورد رشد اکیداً قوی حامی فقرا (که با $PEGR^*$ نشان داده می‌شود) ابتدا لازم است که شاخص رشد مطلق حامی فقرا ($PPGI^*$) را تعریف کرد:

$$PPGI^* = \frac{\eta}{\eta_g^*} \qquad (۸)$$

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

که در آن، η_g^* کشش رشد مطلق خنثی است (که برابر است با تغییر متناسب در فقر زمانی که میانگین درآمد یک درصد تغییر کند و نابرابری مطلق ثابت بماند). تفسیر $PPGI^*$ همانند PPGI است. اکنون رابطه پایه ۶ را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$PEGR^* = g\left[1+(PPGI - PPGI^*)\right]+(PPGI^*-1)g \qquad (۹)$$

اگر $g>۰$ و $PPGI^*>۱$ یا در شرایط رکود اقتصادی اگر $g<۰$ و $PPGI^*<۱$ باشد، رشد به معنای مطلق آن حامی فقرا است. این شرط بیانگر آن است که $g(۱-PPGI^*)$ باید مثبت باشد. به طوری که اگر $PEGR^*>g[۱+(PPGI-PPGI^*)]$ باشد، رشد به صورت مطلق حامی فقرا است. از آنجایی که $PPGI>PPGI^*$ همیشه درست است، رشد اکیداً قوی حامی فقرا همیشه بیانگر رشد نسبی حامی فقرا نیز خواهد بود (اما نه برعکس). بنابراین رشد اکیداً قوی حامی فقرا یک الزام سختگیرانه‌تر از رشد نسبی حامی فقرا است و منجر به کاهش سریعتر فقر می‌شود (کاکوانی و سان، ۲۰۰۸).

رشد اکیداً ضعیف حامی فقرا دلالت بر این دارد که رشد اگر فقر را کاهش دهد، به نفع فقرا است؛ مهم نیست برای غیر فقیر چه اتفاقی می‌افتد[۱]. در چارچوب نرخ رشد معادل فقر، این شرط که رشد منجر به کاهش فقر می‌شود زمانی برقرار است که $PEGR>۰$ باشد. اگر $g>۰$ و $PEGR>g$ باشد، در این صورت همواره $PEGR>۰$ خواهد بود. بنابراین رشد نسبی حامی فقرا همیشه به معنای رشد اکیداً ضعیف حامی فقرا است. این موضوع نشان می‌دهد که رشد اکیداً ضعیف حامی فقرا، ضعیف‌ترین الزام برای رشد حامی فقرا در شرایط رشد مثبت است. برعکس، این قوی‌ترین تعریف از رشد حامی فقرا در زمانی است که رشد منفی وجود دارد.

نرخ رشد حامی فقرا (RPPG[۲])

راوالیون و چن[۳] (۲۰۰۳) با رویکردهای نسبی برای رشد حامی فقرا مخالفت کرده و در عوض، از رویکرد مطلق برای رشد حامی فقرا حمایت کردند. طبق نظر این محققین، وضعیتی را که در آن افراد فقیر به نسبت بیشتر از افراد غیر فقیر از فرآیند اقتصادی سود می‌برند، اما به صورت مطلق فقیرتر می‌شوند، نمی‌توان به عنوان رشد (یا تغییر) حامی فقرا در نظر گرفت. بنابراین آنها ادعا کردند که تغییر حامی فقرا زمانی اتفاق می‌افتد که فقرا از رشد بهره ببرند و مهم نیست برای افراد

---

۱. برای مطالعه بیشتر به راوالیون و چن (۲۰۰۳) رجوع کنید.

2. Rate of Pro-poor Growth
3. Ravallion and Chen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

غیر فقیر چه اتفاقی می‌افتد. به عبارت دیگر، هر گاه فقرا به صورت مطلق از رشد بهره‌مند شوند، حتی اگر افراد غیر فقیر بیشتر از فقرا سود ببرند، یک رشد حامی فقیر وجود خواهد داشت.

رشد حامی فقرا را می‌توان با نرخ رشد فقر اندازه‌گیری کرد. با این وجود، طبق نظر راوالیون و چن (۲۰۰۳) هر معیار رشد حامی فقرا باید دو فرض اساسی را برآورده کند: ۱) رشد مثبت (منفی) به طور خودکار منجر به کاهش (افزایش) فقر شود. ۲) یک شاخص فقر باید (حداقل به طور ضمنی) یک معیار حامی فقرا را در نظر گرفته باشد. این شاخص فقر باید بدیهیات اساسی یک شاخص فقر را برآورده کند. برای برقراری هر دو فرض فوق، اولاً مقدار رشد حامی فقرا در یک چندک معین، باید بر اساس نرخ رشد متوسط (نه نرخ رشد از میانگین) باشد. ثانیاً، برای مثال باید از شاخص واتس[1] (۱۹۶۸) به عنوان شاخص فقر استفاده شود؛ زیرا بدیهیات اساسی یک شاخص فقر را برآورده می‌کند.

برای به دست آوردن نرخ رشد حامی فقرا، راوالیون و چن (۲۰۰۳) ابتدا منحنی وقوع رشد (GIC[2]) را تعریف می‌کنند. این منحنی میانگین نرخ رشد هر صدک (یا هر چندک دیگر) از توزیع درآمد در یک جامعه را به هم پیوند می‌زند. آنها با یک تابع توزیع تجمعی درآمد (یا هزینه) $F_t(y)$ شروع کردند که نشان‌دهنده نسبت جمعیت با درآمد کمتر از y در زمان t است. اگر این تابع در چندک p معکوس شود، درآمد آن کمیت به دست می‌آید:

$$y_t(p) = F_t^{-1}(p) = L_t'(p)\mu_t \quad , \quad y_t'(p) \succ 0 \qquad (۱۰)$$

در رابطه فوق، $L_t(p)$ منحنی لورنز با شیب مثبت ($L_t'(p) \succ 0$) و μ_t متوسط درآمد است. اگر p از ۰ تا ۱ متغیر باشد، رابطه فوق یک تابع چندکی به دست می‌دهد. نرخ رشد چندکpام را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$g_t(p) = \left[\frac{y_t(p)}{y_{t-1}(p)}\right] - 1 \qquad (۱۱)$$

رابطه فوق نشان‌دهنده یک تغییر متناسب در درآمد چندک pام بین دو دوره t و $t-۱$ است. حال اگر p از ۰ تا ۱ تغییر کند، $g_t(p)$ منحنی وقوع رشد را بدست خواهد داد که نشان می‌دهد چگونه میانگین نرخ‌های رشد بین چندک‌های درآمدی در یک جامعه توزیع می‌شود. با جایگذاری رابطه ۱۰ در رابطه ۱۱، رابطه زیر بدست خواهد آمد:

1. Watts
2. Growth Incidence Curve

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

$$g_t(p)=\left[\frac{L_t'(p)}{L_{t-1}'(p)}\right](g_t+1)-1 \qquad (۱۲)$$

که در آن $g_t=(\mu_t/\mu_{t-1})-1$ بوده که نشان‌دهنده نرخ رشد میانگین درآمد (μ_t) است. واضح است که اگر منحنی لورنز تغییر نکند، برای همه pها، $g_t(p)=g_t$ خواهد بود. فقط در صورتی که $y_t(p)/\mu_t$ در طی زمان افزایش یابد، $g_t(p)>g_t$ خواهد بود. بر اساس $g_t(p)$ و GIC می‌توان تشخیص داد که آیا کاهش فقر با کاهش (یا افزایش) نابرابری همراه بوده یا خیر. اگر GIC یک تابع کاهشی (افزایشی) برای همه p باشد، نابرابری در طول زمان کاهش (افزایش) می‌یابد. در چنین شرایطی، کاهش GIC بیانگر رشد نسبی حامی فقرا است. اگر GIC فقط مقادیر مثبت را برای همه صدک‌های فقیر (یا چندک‌های دیگر) بگیرد، در این حالت نشان‌دهنده رشد مطلق حامی فقرا خواهد بود (زیرا تسلط مرتبه اول توزیع درآمد در دوره t بر توزیع درآمد در دوره t-۱ وجود دارد). در صورت تغییر علامت GIC، صرفاً بر اساس آن نمی‌توان گفت که رشد حامی فقرا بوده است یا خیر (راوالیون و چن، ۲۰۰۳).

نرخ رشد حامی فقرا بیانگر سطح زیر منحنی GIC، از یک نقطه شروع اولیه تا شاخص سرشمار[۱] است. این نرخ به عنوان نسبت یک تغییر واقعی در فقر (با استفاده از شاخص واتس (۱۹۶۸)) به یک تغییر در فقر (در صورت وقوع توزیع خنثی از رشد)، ضرب در نرخ رشد متوسط درآمد تعریف می‌شود:

$$g_t(p)=\left(\frac{\Delta w_t}{\Delta w_t^*}\right)g_t \qquad (۱۳)$$

که در آن، $g_t(p)$ نرخ رشد حامی فقرا (RPPG)، Δw_t تغییر واقعی در فقر است که واقعاً اتفاق افتاده (با استفاده از شاخص واتس)، Δw_t^* تغییر در فقر است که با توزیع خنثی از رشد رخ داده و g_t نرخ رشد متوسط درآمد در دوره t است. نرخ رشد حامی فقرا همچنین می‌تواند به عنوان نرخ رشد متوسط درآمد تفسیر شود که بر اساس اینکه آیا تغییرات توزیعی به نفع فقیر بوده یا خیر، بالا یا پایین درجه‌بندی شده است (بانک جهانی، ۲۰۱۱). شایان ذکر است که RPPG بر اساس میانگین نرخ‌های رشد برای هر صدک تا نسبت سرشمار است که نباید با نرخ رشد درآمد همه افراد فقیر اشتباه گرفته شود. حال اگر تغییرات توزیعی به نفع فقرا باشد، RPPG باید بیشتر از نرخ رشد

۱. این شاخص نسبت جمعیت فقر را نشان می‌دهد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

متوسط درآمد در جامعه (g_t) باشد، اگر تغییر توزیع بر خلاف افراد فقیر باشد، RPPG کمتر از g_t خواهد بود.

۴. یافته‌های تجربی

در این بخش، نتایج مربوط به محاسبه سه شاخص PPGI، PEGR و RPPG به تفکیک برای چهار کشور مورد مطالعه در جداول ۱ تا ۴ ارائه شده است. لازم به ذکر است که در ستون تخمین دو شاخص PPGI و PEGR، اعداد ردیف اول مربوط به معیار نسبت سرشمار فقر ($\alpha=0$)، ردیف دوم مربوط به نسبت شکاف فقر ($\alpha=1$) و در نهایت ردیف سوم مربوط به مجذور شکاف فقر ($\alpha=2$) است. ذکر این نکته ضروری است که به دلیل عدم محاسبه شاخص‌های سه‌گانه فوق توسط نرم‌افزار، نتایج برای کشور مالزی صرفاً برای یک دوره زمانی ارائه شده است.

با توجه به اینکه شاخص PPGI با عدد ۱ و دو شاخص PEGR و RPPG با مقدار رشد میانگین درآمد (g) مقایسه می‌شوند، لذا زمانی که PPGI برابر با ۱ و دو شاخص دیگر برابر با g باشد، نتیجه به صورت سطح آستانه خواهد بود که در این حالت، نمی‌توان در خصوص نوع رشد اظهارنظر کرد. با توضیحاتی که در خصوص نحوه تصمیم‌گیری در مورد سه شاخص مورد بحث ارائه شد، اکنون می‌توان نتایج برآوردها را برای کشورهای مورد مطالعه تفسیر کرد. نتایج در جداول ۱ تا ۴ آمده است.

جدول ۱: نتایج تخمین کشور ایران

دوره زمانی	رشد میانگین درآمد (g)	PPGI		PEGR		RPPG	
		تخمین	نتیجه	تخمین	نتیجه	تخمین	نتیجه
۲۰۰۹-۲۰۱۵	-۰/۰۸۱۶	-۱/۷۵۰۰ (۱/۷۱۷۷) -۱/۱۶۸۳ (۰/۹۵۴۶) -۰/۹۵۲۹ (۰/۷۶۰۴)	رشد بی-ارزش رشد بی-ارزش حامی فقرا	۰/۱۴۲۸ (۰/۱۴۰۳) ۰/۰۹۵۳ (۰/۰۷۸۰) ۰/۰۷۷۷ (۰/۰۶۲۱)	رشد بی-ارزش رشد بی-ارزش حامی فقرا	۰/۲۱۹۴ (۰/۰۰۷۷)	افزایش نابرابری
۲۰۱۵-۲۰۱۹	-۰/۰۶۶۸	۲/۰۰۰۰ (۳/۴۴۹۷) ۱/۲۲۵۵	رشد بی-ارزش	-۰/۱۳۳۷ (۰/۲۳۰۷) -۰/۰۸۱۹	رشد بی-ارزش	-۰/۰۹۳۵ (۰/۰۰۲۲)	افزایش نابرابری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

		(۲/۷۲۰۸) ۰/۹۸۳۴ (۲/۶۷۹۰)	رشد بی-ارزش حامی فقرا	(۰/۱۸۱۹) -۰/۰۶۵۷ (۰/۱۷۹۱)	رشد بی-ارزش حامی فقرا		

منبع: یافته‌های تحقیق

اعداد داخل پرانتز، بیانگر انحراف‌معیار است.

طبق جدول ۱، شاخص‌های سه‌گانه مورد بحث در دو دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۹ و ۲۰۱۹-۲۰۱۵ برای کشور ایران محاسبه شده است. در هر دو دوره مذکور، رشد میانگین درآمد (g) منفی بوده؛ اما با این وجود، دوره دوم نسبت به دوره اول اندکی وضعیت بهتری دارد. اما به هر حال، متوسط درآمد از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، به صورت مداوم در حال کاهش بوده است. مقادیر برآورد شده برای شاخص رشد حامی فقرا (PPGI)، در دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵، علامت منفی داشته است. ردیف اول و دوم این ستون که به ترتیب بیانگر نسبت سرشمار فقر و نسبت شکاف فقر است، به صورت قدر مطلق از یک بزرگتر است؛ که نشان می‌دهد با توجه به منفی بودن رشد میانگین درآمد، رشد از نوع بی‌ارزش بوده است. به عبارت دیگر، در این حالت رشد منجر به افزایش نابرابری شده، به طوری که درآمد افراد فقیر کاهش و مقدار فقر افزایش می‌یابد. اما بر اساس مجذور شکاف فقر که در ردیف سوم از ستون PPGI درج شده است، مقدار برآوردی برابر ۰/۹۵۲۹- بوده که علی‌رغم منفی بودن، به صورت قدرمطلق از ۱ کوچکتر است. در نتیجه رشد از نوع حامی فقرا خواهد بود. در دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، همچنان رشد میانگین درآمد منفی است، اما هر سه مورد نسبت سرشمار فقر، نسبت شکاف فقر و مجذور شکاف فقر، برای شاخص PPGI مثبت برآورد شدند. با توجه به اینکه دو ردیف اول از ۱ بزرگتر و ردیف سوم از ۱ کوچکتر است، لذا به ترتیب رشد بی‌ارزش و رشد حامی فقرا اتفاق افتاده است.

جدول ۲: نتایج تخمین کشور پاکستان

دوره زمانی	رشد میانگین درآمد (g)	PPGI		PEGR		RPPG	
		تخمین	نتیجه	تخمین	نتیجه	تخمین	نتیجه
۲۰۱۰-۲۰۱۵	۰/۱۹۱۵	۰/۸۰۶۴ (۰/۰۵۰۷) ۰/۶۸۱۸	قطره-چکانی	۰/۱۵۴۴ (۰/۰۰۹۶) ۰/۱۳۰۶	قطره-چکانی	۰/۱۱۷۵ (۰/۰۰۰۶)	افزایش نابرابری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

		(۰/۰۲۶۰) ۰/۶۱۹۸ (۰/۰۳۰۴)	قطره-چکانی قطره-چکانی	(۰/۰۰۵۰) ۰/۱۱۸۷ (۰/۰۰۵۸)	قطره-چکانی قطره-چکانی		
۲۰۱۵-۲۰۱۹	-۰/۰۳۹۰	۰/۲۰۰۰۰ (۰/۸۸۳۴) ۰/۰۶۴۱ (۱/۲۰۹۷) ۰/۰۱۵۷ (۱/۲۹۷۵)	حامی فقرا حامی فقرا حامی فقرا	-۰/۰۰۷۸ (۰/۰۳۴۴) -۰/۰۰۲۵ (۰/۰۴۷۲) -۰/۰۰۰۶ (۰/۰۵۰۶)	حامی فقرا حامی فقرا حامی فقرا	-۰/۰۰۲۸ (۰/۰۰۰۴)	کاهش نابرابری

منبع: یافته‌های تحقیق

اعداد داخل پرانتز، بیانگر انحراف‌معیار است.

در جدول ۲، نتایج برای کشور پاکستان ارائه شده است. این کشور در دوره اول ۲۰۱۵-۲۰۱۰، رشد میانگین درآمدی ۰/۱۹۱۵ و در دوره دوم، رشد ۰/۰۳۹۰- را تجربه کرده است. در دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، بر اساس شاخص PPGI و بر طبق هر سه معیار فقر نسبت سرشمار، نسبت شکاف و مجذور شکاف فقر، رشد از نوع قطره‌چکانی بوده است. بدین معنی که نابرابری افزایش ولی فقر کاهش می‌یابد. در این حالت افراد فقیر کمتر از افراد غیرفقیر از رشد منتفع می‌شوند؛ که همین موضوع منجر به کاهش فقر و افزایش نابرابری می‌شود. در هر سه مورد مذکور، مقادیر برآورد شده برای شاخص PPGI بین ۰ و ۱ بوده، که موید رشد قطره‌چکانی است. در دوره دوم که رشد میانگین درآمد منفی است، بر اساس شاخص PPGI رشد از نوع حامی فقرا بوده است. چرا که مقادیر برآورد شده برای هر سه معیار فقر نسبت سرشمار، نسبت شکاف و مجذور شکاف فقر، به صورت قدرمطلق از ۱ کوچکتر بوده است.

بر اساس شاخص نرخ رشد معادل فقر (PEGR)، کشور پاکستان در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۰ رشد قطره‌چکانی و در دوره دوم ۲۰۱۵-۲۰۱۹، رشد حامی فقرا را بر اساس هر سه معیار اندازه‌گیری فقر تجربه کرده است. در دوه اول، هر سه مقدار برآورد شده در مقایسه با رشد میانگین درآمد کوچکتر هستند؛ لذا رشد از نوع قطره‌چکانی است. در دوره دوم نیز، با توجه به اینکه رشد میانگین درآمد منفی است، لذا زمانی که قدر مطلق شاخص PEGR از قدر مطلق g کوچکتر باشد، رشد حامی فقرا و در حالت برعکس آن، رشد از نوع بی‌ارزش خواهد بود. بر این اساس، رشد بر حسب هر سه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

معیار اندازه گیری فقر، از نوع حامی فقرا است. نتایج شاخص PEGR در هر دو دوره، نتایج شاخص PPGI را تایید می‌کند.

بر اساس شاخص سوم نرخ رشد حامی فقرا (RPPG) در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۰ رشد منجر به افزایش نابرابری و در دوره ۲۰۱۹-۲۰۱۵ منجر به کاهش نابرابری شده است. این موضوع با مقایسه ارقام برآورد شده برای شاخص مذکور با مقدار رشد میانگین درآمد مشخص می‌شود. در دوره اول، شاخص RPPG از g کوچکتر و در دوره دوم با توجه به منفی بودن رشد میانگین درآمد، به لحاظ قدرمطلق RPPG از g کوچکتر است. نتایج شاخص RPPG نیز در هر دو دوره، نتایج دو شاخص قبلی را برای کشور پاکستان تایید می‌کند.

جدول ۳: نتایج تخمین کشور ترکیه

دوره زمانی	رشد میانگین درآمد (g)	PPGI		PEGR		RPPG	
		تخمین	نتیجه	تخمین	نتیجه	تخمین	نتیجه
۲۰۱۰-۲۰۱۵	۰/۲۳۷۱	۰/۷۵۰۰ (۰/۲۱۸۳) ۰/۷۷۳۷ (۰/۰۶۸۹) ۰/۷۴۵۳ (۰/۰۷۰۱)	قطره-چکانی قطره-چکانی قطره-چکانی	۰/۱۷۷۸ (۰/۰۵۱۳) ۰/۱۸۳۴ (۰/۰۱۶۳) ۰/۱۷۶۷ (۰/۰۱۶۷)	قطره-چکانی قطره-چکانی قطره-چکانی	۰/۱۸۶۲ (۰/۰۰۰۶)	افزایش نابرابری
۲۰۱۵-۲۰۱۹	۰/۰۷۳۸	--- (---) -۰/۰۴۵۱ (۰/۰۴۵۳) -۰/۱۲۴۹ (۰/۰۴۰۸)	رشد بی-ارزش رشد بی-ارزش	--- (---) -۰/۰۰۳۳ (۰/۰۰۳۳) -۰/۰۰۹۲ (۰/۰۰۳۰)	رشد بی-ارزش رشد بی-ارزش	-۰/۰۰۴۱ (۰/۰۰۴۰)	افزایش نابرابری

منبع: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

اعداد داخل پرانتز، بیانگر انحراف‌معیار است. --- : مقادیر بسیار ناچیز بوده است.

جدول ۳ مربوط به نتایج برآوردها برای کشور ترکیه است. نتایج برای این کشور نیز، همانند سایر کشورها، در دو دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵ و ۲۰۱۹-۲۰۱۵ گزارش شده است. ترکیه در هر دو دوره رشد مثبتی در میانگین درآمد داشته، اما با این وجود میزان رشد در دوره دوم به شدت کاهش پیدا کرده است. در دوره اول، بر اساس شاخص PPGI و طبق هر سه معیار فقر نسبت سرشمار، نسبت شکاف و مجذور شکاف فقر، رشد از نوع قطره چکانی است. به این خاطر که در تمام این سه مورد، با در نظر گرفتن رشد مثبت g، اعداد برآورد شده از ۱ کوچکتر هستند. در دوره ۲۰۱۹-۲۰۱۵، مقادیر برای نسبت سرشمار به دلیل ناچیز بودن گزارش نشده است. اما طبق دو معیار بعدی، و با توجه به منفی بودن مقادیر بدست آمده شاخص PPGI، رشد از نوع بی‌ارزش است.

ستون بعدی جدول ۳ نشان‌دهنده برآوردهای نرخ رشد معادل فقر (PEGR) برای کشور ترکیه است. در دوره زمانی اول، شاخص PEGR برای هر سه معیار فقر مثبت بوده و در مقایسه با رشد میانگین درآمد (g)، کوچکتر هستند. لذا رشد به صورت قطره‌چکانی بوده است. این رشد می‌تواند وضعیت همه افراد را بهتر کند، اما در این بین، افراد غیرفقیر بیشتر از افراد فقیر از رشد سود می‌برند. در دوره دوم، نسبت سرشمار برای این شاخص به دلیل ناچیز بودن مقدار برآوردی، گزارش نشده است. اما بر اساس دو معیار نسبت شکاف فقر و مجذور شکاف فقر با توجه به منفی بودن اعداد برآوردی در مقایسه با g، رشد از نوع بی‌ارزش بوده است. نتایج هر دو شاخص PPGI و PEGR یکدیگر را تایید می‌کنند.

مقادیر برآورد شده برای شاخص نرخ رشد حامی فقرا (RPPG) در هر دو دوره زمانی از مقدار رشد میانگین درآمد (g) کوچکتر بوده (در دوره دوم به لحاظ قدرمطلق)؛ لذا نشان‌دهنده افزایش در نابرابری درآمدی است. به طوری که در دوره دوم وضعیت نسبت به دوره اول، بدتر نیز است. چرا که در دوره دوم براساس دو شاخص PPGI و PEGR رشد از نوع بی‌ارزش بوده و هم فقر و هم نابرابری هر دو افزایش یافته است.

جدول ۴: نتایج تخمین کشور مالزی

دوره زمانی	رشد میانگین درآمد (g)	PPGI		PEGR		RPPG	
		تخمین	نتیجه	تخمین	نتیجه	تخمین	نتیجه
۲۰۱۱-۲۰۱۶	۰/۲۷۳۷	۲/۰۰۰۰ (۱/۴۱۹۲) ۱/۱۱۴۶	حامی فقرا حامی فقرا	۰/۵۴۷۵ (۰/۳۸۸۰) ۰/۳۰۵۱	حامی فقرا حامی فقرا	۰/۴۵۲۸ (۰/۰۰۲۳)	کاهش نابرابری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

		(۰/۰۴۵۶) ۱/۰۱۷۱ (۰/۰۰۳۳)	حامی فقرا	(۰/۰۱۲۳) ۰/۲۷۸۴ (۰/۰۰۳۱)	حامی فقرا		

منبع: یافته‌های تحقیق

اعداد داخل پرانتز، بیانگر انحراف‌معیار است.

در جدول ۴ فوق، بر خلاف سایر جداول که نتایج آنها برای دو دوره زمانی برآورد شده‌اند؛ در این جدول نتایج کشور مالزی فقط برای یک دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۱۱ ارائه شده است. دلیل این امر آن است که نرم‌افزار Stata و بسته تجزیه و تحلیل DASP این نرم‌افزار، نتایج درستی را برای این کشور در دوره‌های بعدی ارائه نکرده است. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که مقادیر رشد میانگین درآمد و شاخص‌های تحت بررسی قابل محاسبه نباشد.

طبق نتایج جدول فوق، کشور مالزی در دوره مورد بررسی، رشد مثبتی را در میانگین درآمد تجربه کرده است. شاخص PPGI بر حسب هر سه معیار نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر و مجذور شکاف فقر که به ترتیب در ردیف‌های اول تا سوم جدول فوق گزارش شده، نشان‌دهنده رشدی از نوع حامی فقرا بوده است. چرا که هر سه مقادیر برآورد شده از ۱ بزرگتر هستند. در این حالت هم فقر و هم نابرابری کاهش یافته و افراد فقیر بیشتر از افراد غیرفقیر از رشد بهره‌مند می‌شوند.

نتایج نرخ رشد معادل فقر (PEGR) در ستون دوم آمده است. مقایسه هر سه معیار اندازه‌گیری فقر در شاخص PEGR با رشد میانگین درآمد (g) نشان می‌دهد که هر سه معیار از g بزرگتر هستند. بنابراین طبق این نتیجه، رشد از نوع حامی فقرا بوده؛ که نتایج شاخص قبلی را نیز تایید می‌کند.

نتایج بر اساس شاخص نرخ رشد حامی فقرا (RPPG) که در ستون آخر جدول فوق گزارش شده، نشان‌دهنده وضعیت کاهش نابرابری است. مقدار برآورد شده برای این شاخص برابر ۰/۴۵۲۸ بوده که از مقدار ۰/۲۷۳۷ رشد میانگین درآمد بالاتر است. طبق نتایج این جدول، کشور مالزی در زمینه کاهش فقر نسبت به سایر کشورهای مورد مطالعه که نتایج آنها در این فصل گزارش شده، عملکرد بهتری داشته است.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج دو جدول ۲ و ۴، تنها کشورهای پاکستان و مالزی به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۵ و ۲۰۱۶-۲۰۱۱ رشد از نوع حامی فقرا بر حسب هر سه معیار نسبت سرشمار، نسبت شکاف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

فقر و مجذور شکاف فقر داشته‌اند. ایران نیز در هر دو دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۹ و ۲۰۱۹-۲۰۱۵، تنها بر حسب معیار مجذور شکاف فقر، رشدی از نوع حامی فقرا داشته است.

با توجه به دسته‌بندی که کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) ارائه کردند[۱]، می‌توان دقیق‌تر به این موضوع پرداخت. بر اساس این دسته‌بندی، کشور پاکستان در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۰ برحسب معیار نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر، رشد حامی فقرا و بر حسب معیار مجذور شکاف فقر، رشد نسبتاً حامی فقرا داشته است. کشور ترکیه در دوره اول مورد بررسی (۲۰۱۵-۲۰۱۰)، بر اساس هر سه معیار فقر، رشد حامی فقرا داشته است.

در این بین، تنها پاکستان و مالزی به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۵ و ۲۰۱۶-۲۰۱۱، بر حسب هر سه معیار فوق، رشد نسبتاً قوی حامی فقرا داشته‌اند. ایران نیز در دوره اول و دوم مورد بررسی، تنها بر حسب معیار مجذور شکاف فقر، رشد حامی فقرا را تجربه کرده است. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده، کشور ایران در طی دوره مورد بررسی بر حسب دو معیار نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر، رشد بی‌ارزش و بر حسب معیار مجذور شکاف فقر رشد حامی فقرا داشته؛ که از این حیث می‌توان گفت تغییری در روند آن انجام نشده است. همچنین با توجه به اینکه هر چه شاخص PEGR بزرگتر باشد، کاهش در فقر بیشتر خواهد بود؛ کشور ایران از این حیث نیز سرعت پایینی در کاهش فقر دارد؛ که نتیجه این امر، افزایش نابرابری در هر دو دوره زمانی بوده است.

کشور پاکستان در دو دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۰ و ۲۰۱۹-۲۰۱۵، روند کاملاً متفاوتی را تجربه کرده، به طوری که در دوره اول، رشد قطره‌چکانی داشته اما در دوره دوم، رشد از نوع حامی فقرا را تجربه کرده است. بنابراین توانسته بر حسب شاخص RPPG، مقدار نابرابری درآمدی را کاهش دهد. لذا از این حیث موفق عمل کرده است. ترکیه نیز روند باثباتی را در کاهش فقر نداشته، به طوری که در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۰ رشد قطره‌چکانی و در دوره ۲۰۱۹-۲۰۱۵، رشد بی‌ارزشی را داشته است. بر اساس شاخص RPPGI نیز نابرابری در این کشور افزایش یافته است. با توجه به اینکه برای کشور مالزی امکان محاسبه شاخص‌ها در دوه دوره مختلف وجود نداشته، لذا نمی‌توان مقایسه‌ای در این خصوص انجام داد. اما لازم به ذکر است که کشور مالزی در دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۱، توانسته رشد حامی فقرا داشته باشد که این رشد، منجر به کاهش نابرابری نیز شده است.

با توجه به نتایج بدست آمده، متاسفانه در اغلب کشورها فقر و نابرابری افزایش یافته، لذا ضروری است دولت‌ها از طریق سیاست‌گذاری‌های مناسب از طریق اعطای یارانه به اقشار کم‌درآمد و اخذ مالیات از طبقات ثروتمندتر، بتواند توزیع عادلانه‌ای از درآمد را برقرار سازند تا ضمن کاهش فقر، نابرابری نیز کاهش یابد. همچنین بخش خصوصی نیز از طریق مراکز خیریه و سازمان‌های

---

۱. برای مطالعه بیشتر به بخش چهارم رجوع کنید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مردم‌نهاد، با اخذ مالیات‌های اسلامی و پرداخت آن به افراد فقیر، سهم خود را در کاهش فقر و نابرابری ایفا کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

منابع

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۴۰۱). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، چاپ بیست و چهارم، نشر نی، تهران.

۲. استیگلیتز، جوزف (۱۳۹۹). *جهانی‌سازی و مسائل آن*. ترجمه حسن گلریز، چاپ دهم، نشر نی، تهران.

۳. اشرفی، سکینه، بهبودی، داود، واعظ مهدوی، محمدرضا و پناهی، حسین (۱۳۹۷). سه وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۷۱)۱۸، ۴۴-۹.

۴. اعلائی حیدرانلو، محسن (۱۳۹۶). اندازه‌گیری و مقایسه درجه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، *دانشگاه تبریز*. تبریز.

۵. بهبودی، داود، اعلائی حیدرانلو، محسن و پناهی، حسین (۱۳۹۹). اندازه‌گیری و مقایسه درجه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی. *فصلنامه اقتصاد مقداری*، (۳)۱۷، ۱۱۵-۹۱.

۶. راغفر، حسین، باباپور، میترا و یزدان پناه، محدثه (۱۳۹۴). بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه. *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، (۱۶)۴، ۸۰-۵۹.

۷. فطرس، محمدحسن، شهبازی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی روند فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۳. *فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، (۲)۸، ۱۵۵-۱۳۳.

۸. فندرسی, لیلاالسادات, ادریسی,موسائی. (۲۰۲۳). فقر، احساس‌محرومیت نسبی و کیفیت‌زندگی (مطالعه موردی: شهروندان تهران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*.(۴۱) ۱۹۹،۱۱ -۲۲۸

۹. مهرگان, مصطفوی، سیدمحمدحسن. (۲۰۱۷). دلایل و راه‌های پیشگیری از فقر در نهج‌البلاغه .*اقتصاد و بانکداری اسلامی*(۶)،۲۰. ۱۵۱ – ۱۶۸

10. AFD (French Development Agency) *et al*. (2005), *Pro-poor growth in the 1990s. Lessons and insights from 14 countries*, Washington DC.

11. Amini, A. (2018). Studying the effect of abundance of natural resources on economic growth. *European Journal of Sustainable Development*, *7*(1), 201-208.

12. Auty, R. M. (1994). Industrial policy reform in six large newly industrializing countries: The resource curse thesis. *World development*, *22*(1), 11-26.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

13. Bayarmaa, D. (2014). Literature review on natural resources and economic growth: Does the type of the resource matter?. Kyushu University, Japan.
14. Etuk, E. A., & Ayuk, J. O. (2021). Agricultural commercialisation, poverty reduction and pro-poor growth: evidence from commercial agricultural development project in Nigeria. *Heliyon*, *7*(5), e06818.
15. Foster, J., Greer, J., & Thorbecke, E. (1984). A class of decomposable poverty measures. *Econometrica: journal of the econometric society*, 761-766.
16. Ganley, E., Fison, E., & Holden, J. (2006). Defining poverty: A literature review, Prepared for Alaska native policy center, First Alaskans institute.
17. Harmáček, J., Syrovátka, M., & Dušková, L. (2017). Pro-poor growth in East Africa. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, *64*, 82-93.
18. Kakwani, N., & Pernia, E. M. (2000). What is pro-poor growth?. *Asian Development Review*, 18(1), 1-16.
19. Kakwani, N., Son, H. H. (2003). Pro-poor growth: Concepts and measurement with country case studies [with comments]. *The Pakistan Development Review*, *42*(4), 417-444.
20. Kakwani, N., & Son, H. H. (2008). Poverty equivalent growth rate. *Review of Income and Wealth*, *54*(4), 643-655.
21. Khan, H. U. R., Nassani, A. A., Aldakhil, A. M., Abro, M. M. Q., Islam, T., & Zaman, K. (2019). Pro-poor growth and sustainable development framework: Evidence from two step GMM estimator. *Journal of Cleaner Production*, *206*, 767-784.
22. Klasen, S., & Reimers, M. (2017). Looking at pro-poor growth from an agricultural perspective. *World Development*, *90*, 147-168.
23. Landes, D. S. (1999). The wealth and poverty of nations: why some are so rich and some so poor (London: Abacus).
24. Leite, M. C., & Weidmann, J. (1999). Does mother nature corrupt? Natural resources, corruption, and economic growth. International Monetary Fund.
25. OECD. Publishing. (2007). Promoting pro-poor growth: Policy guidance for donors. Organisation for Economic Co-operation and Development.
26. Ravallion, M., & Chen, S. (2003). Measuring pro-poor growth. *Economics letters*, *78*(1), 93-99.
27. Rodrik, D., & Subramanian, A. (2004). From hindu growth to productivity purge: The mystery of the Indian growth transition, NBER working paper No. 10376, Cambridge, Mass.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

28. Sachs, J. D., & Warner, A. (1995). Natural resource abundance and economic growth. NBER working paper 5398, Cambridge. MA.
29. The World Bank, Poverty and inequality platform, Available: https://pip.worldbank.org/poverty-calculator, (Accessed, January 2023).
30. Van der Ploeg, F., (2006). Challenges and opportunities for resource rich economies CEPR Discussion Paper No. 5688.
31. Watts, H. (1968). An economic definition of poverty. Moynihan DP, editor. On understanding poverty.
32. World Bank. (2011). Measuring pro-poor growth. http://go.worldbank.org/WK7A5JVWK0
33. Xiao, H., Zheng, X., & Xie, L. (2022). Promoting pro-poor growth through infrastructure investment: Evidence from the Targeted Poverty Alleviation program in China. *China Economic Review*, *71*, 101729.
34. Zagha, R., & Nankani, G. T. (Eds.). (2005). *Economic Growth in the 1990s: Learning from a Decade of Reform*. World Bank Publications.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]